



فصل اول مقدمات و قالب‌های شعر

۸	شعر
۹	وزن
۹	هجا
۱۰	ردیف
۱۱	قافیه
۱۳	قالب شعر
۱۴	قصیده
۱۵	غزل
۱۶	مثنوی
۱۶	قطعه
۱۶	دوبیتی
۱۷	رباعی
۱۷	چهارپاره
۱۹	مُسْتَزَاد
۱۹	ترجیع‌بند
۲۱	ترکیب‌بند
۲۲	مُسَمَّط
۲۵	شعر نو

فصل دوم علم بیان (صُور خِیَال)

۲۸	علوم بلاغی
۲۸	علم معانی
۲۸	علم بیان
۲۹	تشبیه (همانندسازی)
۲۹	تشبیه گسترده
۳۲	تشبیه بلیغ (فشرده)
۳۳	تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)
۳۵	تشبیه بلیغ اسنادی
۳۶	تشبیه مرکب
۳۶	تشبیه تفضیل (مَرَّح)
۳۷	تشبیه مضمَر (پنهان: نهفته)



- ۳۷ تشبیهات حروف الفبایی
- ۳۸ سوالات چهارگزینه‌ای تشبیه
- ۴۱ استعاره
- ۴۲ انواع استعاره
- ۴۲ استعاره مصرّحه (آشکار)
- ۴۳ استعاره مکنّیه (پنهان = بالکنایه)
- ۴۴ تشخیص
- ۴۶ تشخیص اضافه استعاری از اضافه تشبیهی
- ۴۷ اضافه اقترانی
- ۴۸ سوالات چهارگزینه‌ای استعاره
- ۵۱ مجاز
- ۵۲ انواع علاقه
- ۵۷ سوالات چهارگزینه‌ای مجاز
- ۶۰ کنایه (سخن سر بسته)
- ۶۳ سوالات چهارگزینه‌ای کنایه
- ۶۵ نماد
- ۶۶ پرسش انکاری (استفهام انکاری)
- ۶۷ پاسخ تشریحی سوالات چهارگزینه‌ای

فصل سوم علم بدیع

- ۷۵ علم بدیع
- ۷۵ آرایه و صنعت
- ۷۵ آرایه‌های لفظی (بدیع لفظی)
- ۷۵ واج‌آرایی (نغمه حروف)
- ۷۷ سوالات چهارگزینه‌ای
- ۷۸ سجع
- ۷۹ انواع سجع
- ۷۹ سجع متوازی
- ۷۹ سجع مطرف
- ۸۰ سجع متقارن
- ۸۰ سوالات چهارگزینه‌ای
- ۸۱ ترصیع
- ۸۲ موازنه
- ۸۲ سوالات چهارگزینه‌ای
- ۸۳ جناس



۸۴	انواع جناس
۸۴	جناس همسان (تام)
۸۵	جناس ناهمسان (ناقص)
۸۵	جناس ناهمسان (ناقص اختلافی)
۸۶	جناس ناهمسان (ناقص حرکتی)
۸۷	جناس ناهمسان (ناقص افزایشی)
۸۹	سؤالات چهارگزینه‌ای
۹۰	اشتهاق
۹۰	سؤالات چهارگزینه‌ای
۹۰	تکرار
۹۱	سؤالات چهارگزینه‌ای
۹۱	آرایه‌های معنوی (بدیع معنوی)
۹۱	مراعات نظیر (تناسب)
۹۲	سؤالات چهارگزینه‌ای
۹۳	تلمیح
۹۸	تضمین
۹۹	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۰۰	تضاد (طباق)
۱۰۱	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۰۱	متناقض‌نما (پارادوکس)
۱۰۵	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۰۶	حس آمیزی (آمیختگی حواس)
۱۰۷	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۰۸	ایهام
۱۱۳	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۱۴	ایهام تناسب
۱۱۷	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۱۸	لف و نشر
۱۲۰	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۲۱	اغراق
۱۲۲	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۲۲	حسن تعلیل
۱۲۴	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۲۵	اسلوب معادله

سؤالات چهارگزینه‌ای ۱۲۶

پاسخ تشریحی سؤالات چهارگزینه‌ای ۱۲۸

۱۳۷ **فصل چهارم** پرسش‌های چهارگزینه‌ای

کنکور سراسری ۹۸ ۲۳۷

۲۴۴ **فصل پنجم** پاسخ‌های تشریحی

۳۱۷ پاسخ تشریحی کنکور سراسری ۹۸





فصل اوّل

مقدمات
و قالب‌های

شعر

شعر

آثار ادبی به دو صورت شعر و نثر عرضه شده و می‌شوند، که شعر در بین عام و خاص از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ذاتاً تمایل و گرایش آدمی به خواندن و شنیدن شعر یا کلی‌تر بگوییم سخن منظوم بیشتر از نثر است.

- ◀ **شعر**، سخنی است خیال‌انگیز، دارای وزن و قافیه.
- ◀ **شعر سنتی**، شعری است که مصراع‌ها در آن با هم برابر و یکسان باشند و رعایت قافیه در آن الزامی است.
- ◀ **شعر نو**، شعری است که مصراع‌هایش کوتاه و بلند می‌شود و قافیه در آن، جای مشخصی ندارد.

حداقل شعر سنتی، یک «بیت» است. هر بیت شامل دو قسمت است که به هر قسمت «مصراع یا مَصْرَع» می‌گویند. بنابراین هر شعر از یک یا چندین بیت تشکیل می‌شود.

◀ به شعری که تنها یک بیت باشد و تمام مقصود شاعر را شامل شود «بیت فرد» می‌گویند:

چه داند خوابناک مستِ مخمور
که شب را چون به روز آورد رنجور

سعری

وزن نظم و تناسب خاصی است که در هجاها وجود دارد. بنابراین آهنگی که از خواندن شعر احساس می‌شود به سبب نظمی است که در چگونگی قرارگرفتن کلمات آن مصراع وجود دارد.

هجا به معنی «بخش» است. هر هجا از یک مصوّت و یک یا چند صامت تشکیل می‌شود. بنابراین هر هجا حداقل دو واج (صامت + مصوّت) دارد.

◀ **صامت‌ها** عبارتند از:

ء(ع) ● ب ● پ ● ت(ط) ● ث(س، ص) ● ج ● چ ● ح(ه) ● خ ● د ● ر ● ز(ذ، ض، ظ) ● ژ ● ش ● غ(ق) ● ف ● ک ● گ ● ل ● م ● ن ● و ● ی.

◀ **مصوّت‌ها** دو نوع‌اند:

① **مصوّت‌های کوتاه:** «اَ، اِ، اُ»؛

② **مصوّت‌های بلند:** «اِی - اِو».

◀ **هجا (بخش) سه گونه است:**

① **هجای کوتاه:** صامت (حرف) + یک مصوّت کوتاه «اَ، اِ، اُ». که، چو، تو (ک + اَ) علامت آن (U) است.

② **هجای بلند دو نوع است:**

الف صامت + مصوّت کوتاه «اَ، اِ، اُ» + صامت: سر، دِل و... (س + اَ + ر) علامت آن (L) است.

ب صامت + مصوّت بلند «اِی - اِو»: مو، بی، پا. (م + و).

③ **هجای کشیده:**

الف صامت + مصوّت کوتاه «اَ، اِ، اُ» + صامت + صامت: مَرَد(م + اَ + ر + د).

علامت آن (U) است.

ب صامت + مصوّت بلند «اِی - اِو» + یک یا دو صامت: بار، ماست (ب + ا + ر)، (م + ا + س + ت).

تذکره وقتی می‌گوییم مصراع‌ها هم‌وزن‌اند یعنی هر مصراع در تعداد هجا و نوع هجا با دیگری برابر و یکسان است.

تذکره در هجابندی و تقطیع، شعر را آن‌گونه که تلفظ می‌کنیم می‌نویسیم:

سرو چنان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند

ما قفط

سَـر	و	چَـ	ما	نِـ	مَـن	چَـ	را	می	لِـ	مَـن	نِـ	می	کُـ	نَـد
ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	U	ـ	U	ـ
هَـم	دَـ	مَـ	گَـل	نِـ	می	شَـ	وَدَـ	یا	دَـ	سَـ	نِـ	می	کُـ	نَـد
ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ	ـ	U	U	ـ	U	U	ـ

در بیت بالا دو مصراع، هم وزن هستند زیرا اولاً هر یک (۱۶) هجا هستند پس در تعداد هجا برابرند؛ ثانیاً هجاهای مقابل هم یکسان هستند یعنی کوتاه در برابر کوتاه و بلند در برابر بلند قرار گرفته است. بنابراین شعری که تمام مصراع‌هایش از نظر تعداد هجا برابر و از نظر نوع هجا (کوتاه، بلند و کشیده) یکسان باشد و قافیه نیز در پایان ابیات آن رعایت شده باشد، «شعر سنتی» نام دارد.

تذکره صامت «ن» ساکن اگر بعد از مصوّت‌های بلند «ا - ی - و» بیاید در هجابندی نوشته می‌شود اما محسوب نمی‌شود یا این‌که در این حالت مصوّت بلند قبل از «ن» ساکن را کوتاه حساب می‌کنیم و «ن» را حذف نمی‌کنیم؛ مانند: خون ← خُن، خون (هجای بلند). • باران ← با (هجای بلند) + ران (هجای بلند).

تذکره آخرین هجای هر مصراع و بیت همیشه بلند محسوب می‌شود حتی اگر آن هجا، کوتاه یا کشیده باشد.

ردیف

ردیف کلمه یا کلماتی که در پایان مصراع‌ها یا ابیات عیناً بعد از قافیه می‌آیند که در نوشتار و معنی یکسان هستند. شعری که علاوه بر قافیه، ردیف نیز داشته باشد «مُردّف» خوانده می‌شود.

تذکره ردیف گاهی یک کلمه است:

و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق
آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت

ما قفط

زبان خامه ندارد سر بیان فراق
آن ترک پرچهره که دوش از بر ما رفت

داد دهی ساغر و پیانه را
مایه دهی مجلس و میخانه را

مولوی

💡 **تذکره** ردیف گاهی بیش از یک کلمه و چه بسا یک جمله یا دو جمله است:

باده از ما مست شدنی ما از او قالب از ما هست شدنی ما از او

مولوی

«مست» و «هست» ← کلمات قافیه ● «شدنی ما از او» ← ردیف.

با من بودی مَنت نمی دانستم یا من بودی مَنت نمی دانستم
چون من ز میان شدم تو را دانستم تا من بودی مَنت نمی دانستم

فیض کاشانی

«با»، «یا» و «تا» ← کلمات قافیه اند. ● «من بودی منت نمی دانستم» ← ردیف است که در قالب دو جمله آمده است.

قافیه

📌 **قافیه** کلماتی که در پایان مصراع یا بیت یا قبل از ردیف می‌آیند که در معنی مختلف، ولی در حرف یا حروف پایانی مشترک هستند «**کلمات قافیه**» نام دارند:

شنیده‌ام سخنی که پیر کنعان گفت فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

ماخوذ

«گفت» ← ردیف ● «کنعان» و «بتوان» ← کلمات قافیه‌اند که در حروف «ان» مشترک‌اند.

💡 **تذکره** برای تعیین حروف مشترک قافیه نکاتی را باید رعایت کرد. آخرین حرف اصلی کلمات قافیه «حرف روی» نام دارد و حرف یا حرفی که پس از حرف روی تکرار شوند «حروف الحاقی» محسوب می‌شوند:

هی‌گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها

علامه طباطبایی

«بارها و دلدارها» ← کلمات قافیه ● حروف مشترک ← «ارها» ● «ار» ← حروف اصلی ● «ر» ← حرف روی ● «ها» ← حروف الحاقی.

اگر آخرین حرف اصلی، مصوت بلند «ا» یا «و» باشد همان مصوت، حرف روی و حرف اصلی قافیه محسوب می‌شود و حروف بعد آن الحاقی هستند:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

ماخوذ

«می‌کرد» ← ردیف ● «ما» و «تمنا» ← کلمات قافیه ● «ا» ← حرف روی و اصلی قافیه.

اگر آخرین حرف اصلی کلمات قافیه، صامت باشد به قبل آن برمی‌گردیم به اولین مصوتی که رسیدیم مجموع آن مصوت و صامت یا صامت‌های دیگر بعد از خود (مصوت + صامت) یا (مصوت + صامت + صامت) حروف اصلی قافیه محسوب می‌شوند و اگر حرف یا حرفی بعد حرف روی باشد حروف الحاقی به حساب می‌آید:

علوم بلاغی

بیشتر بدانیم معمولاً ادیبان به سه علم «معانی»، «بیان» و «بدیع» علوم بلاغی می‌گویند. بلاغت (تأثیر و نفوذ) که صفت معنی است بعد از فصاحت (درستی و وضوح) که صفت لفظ است تحقق می‌یابد. یعنی در حالی که مواظبتیم تا کلمات و جملات را درست و مطابق هنجار به کار ببریم، می‌کوشیم تا کلام ما به مقتضای حال خواننده یا مخاطب باشد تا مؤثر و دلنشین افتد و چه بهتر برای تأثیر بیشتر و دلنشین‌تر کردن کلام، سخن خود را زیبا و آراسته بیان کنیم.

علم معانی

بیشتر بدانیم علم معانی، دارای اصول و قواعدی است که شناخت آن، انسان را در تطبیق سخن با مقتضیات احوال، توانا می‌کند. به این معنی که مقتضای حال، گاهی ایجاز (خلاصه و مختصرگویی) و زمانی اطناب (زیاده‌گویی و به درازا کشاندن سخن) است که فهم و هوش یا نادانی و کند ذهنی شنونده که از آن به «حال» تعبیر می‌شود این اقتضا را معین می‌نماید. زمانی که مخاطب، دانشمند باشد معانی بلند را در الفاظی کوتاه می‌پسندد بنابراین خواستار سخنان کوتاه و ایجاز است و اگر مخاطب و شنونده کند ذهن باشد خواهان سخنان مشروح و پر دامنه بوده و بدین جهت، اطناب را می‌پسندد.

◀ در علم معانی، یک طرف قضیه گوینده و طرف دیگر شنونده یا مخاطب است و قسمت مهم علم معانی مربوط به احوال شنونده یا مخاطب، مانند آگاهی یا نادانی مخاطب، حال و حوصله او، پذیرش یا انکار او و... است.

◀ مثلاً هنگامی که مخاطب مُفاد خبری را انکار کند در این صورت گوینده آن را با ادات، واژه‌ها و عبارات بیشتری مؤکد می‌کند چه بسا این که سوگند هم بخورد:

در رفتن جان از بدن گویند هرنوعی سخن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود

سعری

واژه‌های «من»، «خود» و «به چشم خویشتن» برای تأکید آمده‌اند تا جمله «دیدم که جانم می‌رود» که جمله‌ای کامل و خبری ابتدایی است با تأکید بیان شود.

علم بیان

بیشتر بدانیم بیان در لغت به معنی کشف، روشن و آشکار کردن است. در اصطلاح، عبارت از دانشی است که به کمک آن می‌توان یک معنای واحد را به گونه‌های متعدّد بیان کرد؛ به شرطی که این شیوه‌های گوناگون، در میزان روشنی و پوشیدگی با یکدیگر متفاوت باشند و این تفاوت بر اساس تخیل باشد. مثلاً: عبارت «خورشید طلوع کرد» را می‌توان از نظرگاه علم بیان به شکل دیگری بیان کرد: «گل خورشید شکفت.» که مفهوم طلوع خورشید با تشبیه (اضافه تشبیهی) ادا شده است. یا

«خورشید خانم از پشت کوه‌ها سینه‌خیز بالا آمد و به همه‌جا سرک کشید.» همان مفهوم (طلوع خورشید) با استعاره (تشخیص) بیان شده است.

◀ در علم بیان بحث دربارهٔ صورت‌های خیال است که با آن‌ها می‌توان یک مفهوم را به شکل‌های گوناگون بیان کرد. این صُور خیال عبارتند از: ۱ تشبیه ۲ استعاره ۳ مجاز ۴ کنایه.

تشبیه (هماندسازی)

تشبیه در لغت به معنی ماندکردن چیزی به چیز دیگر است در یک یا چند صفت. در اصطلاح علم بیان، در تشبیه، ادعای همانندی وجود دارد؛ یعنی ادعا می‌شود که چیزی با چیز دیگر در یک یا چند صفت، همانندی و اشتراک دارد. «شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک» در این مثال، منوچهری «شب» را در صفت «تاریکی» و «تنگی» به «چاهی که بیژن در آن گرفتار شده بود» مانند کرده‌است. (بیژن، پهلوان ایرانی به دستور افراسیاب در چاهی تاریک و تنگ زندانی شد).

◀ تشبیه چهار رکن دارد:

- ۱ **مشبه:** آن چه یا آن کسی که به چیزی یا کسی مانند می‌شود.
- ۲ **مشبه‌به:** آن چه یا آن کسی که چیزی یا کسی را بدان مانند می‌کنند.
- ۳ **وجه شبه:** صفت و ویژگی مشترک میان «مشبه» و «مشبه‌به» است.
- ۴ **ادات تشبیه:** واژه‌هایی که همانندی را با آن‌ها نشان می‌دهند. این ادات ممکن است حرف، فعل و یا اسم باشند. مانند: چون، هم چون، هم‌چو، همانند، بسان، برسان، مثل، مثالی، به‌صورت، به‌کردار، چنان، به‌مثل، مانا، پنداری، گویی، گویا، گفتی، ماند، انگار و واژه‌هایی از این قبیل.

● تشبیه گسترده

تشبیهی است که چهار یا سه رکن را در خود داشته باشد.

بَلَمَّ آرام چون قویی سبکبار به نرمی بر سر کارون همی‌رفت

فریدون تولی

«بَلَمَّ» ← «مشبه» ● «قو» ← «مشبه‌به» ● «آرام رفتن» ← «وجه شبه» ● «چون» ← «ادات تشبیه» ● بَلَمَّ ← «قایق».

اساس توبه که در محکمی چو سنگ می‌نمود

حافظ

«اساس توبه» ← «مشبه» ● «در محکمی» ← «وجه شبه» ● «چو» ← «ادات تشبیه» ● «سنگ» ← «مشبه‌به».

پشت دستش به مثل چون شکم قائم نرم

کسایی

«قائم» ← «پستانداری گوشت خوار شبیه راسو، زیر شکمش زرد روشن است و دُمش در همهٔ عمر سیاه می‌ماند».

در مصراع اول: «پشت دست معشوق» ← «مشبه» ● «به مثل» ← «ادات تشبیه» ● «شکم قائم» ← «مشبه‌به»

● «نرم» ← «وجه شبه».

در مصراع دوم: «چون» ← «ادات تشبیه» ● «دُم قائم» ← «مشبه‌به» ● «سر انگشت» ← «مشبه» ● «سیاه»

← «وجه شبه».

دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد

حافظ

که چو سرو پایند است و چو لاله داغ دارد

در بیت اول، «دل» که مشبّه است به «سرو» و «لاله» (مشبّه به) مانند شده است. «دل» از جهت «پایبندی» به «سرو» مانند شده؛ پایبندی دل به عهد و وفا و عشق دوست. (چون ریشه‌های سرو در خاک است، صفت پایبندی به آن داده‌اند). ● از جهت دیگر شاعر، داغ و درد دل خود را به سیاهی درون گل لاله مانند کرده است. ● این همانندی را به کمک ادات تشبیه «چو» نشان داده است.

صحت ابلهان چو دیگِ تهی است کز درون خالی، از برون سیاهی است

سنایی

«صحت ابلهان» ← مشبّه ● «چو» ← ادات تشبیه ● «دیگ تهی» ← مشبّه به ● «از درون خالی بودن و برون سیاه بودن» ← وجه شبه.

دلیری کجا نام او اشکبوس همی برخروشید برسانِ کوس

فردوسی

«کوس» به معنی طبل جنگی و «برسان» به معنی مانند است.

«اشکبوس» ← مشبّه ● «برسان» ← ادات تشبیه ● «کوس» ← مشبّه به ● «برخروشیدن» ← به معنی فریاد زدن ← وجه شبه.

و او به شیوهٔ باران پر از طراوت تکرار بود.

سهراب سپهری

«او» ← مشبّه ● «به شیوه» ← ادات تشبیه ● «باران» ← مشبّه به ● «طراوت تکرار» ← وجه شبه.

حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.

سهراب سپهری

«حرف‌ها» ← مشبّه ● «مثل» ← ادات تشبیه ● «چمن» ← مشبّه به ● «روشنی و صاف بودن» ← وجه شبه.

ترانه‌های غمناک

چو دود برمی‌خاست

ز شهر زنجرها

چو دود می‌لغزید

به روی پنجره‌ها.

فروغ فرخزاد

«ترانه» ← مشبّه ● «دود» ← مشبّه به ● «چو» ← ادات تشبیه ● «برخاستن و لغزیدن» ← وجه شبه.

آه، چه آرام و پر غرور گذر داشت

زندگی من چو جویبار غریب

در دل این جمعه‌های ساکت متروک.

فروغ فرخزاد

«زندگی» ← مشبّه ● «چو» ← ادات تشبیه ● «جویبار» ← مشبّه به ● «آرام و پر غرور» ← وجه شبه.

گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس

قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم

افوان ثالث

فارسی دهم

وین همه گریه از آن پسته خندان دارم
بر حلق و برد دهان شما نیز بگذرد
گل صبر می‌پرورد دامن من
کارام درون دشت شب خفته است

فارسی دهم

کمر بر میان بادپایی به زیر
بر دولت آشیان شما نیز بگذرد
گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری
کُنَم پلنگان دشمن‌ستیز

فارسی دهم

طالب چشمه خورشید درخشان نشود
مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند
نامدش کشتن چراغ دریغ
از سپهر این ره عالی صفت

فارسی دهم

خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند
تا کیمیای عشق بیابای و زر شوی
نامدش کشتن چراغ دریغ
گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری

فارسی دهم

دلَم در بی‌قراری چشمه سیماب را ماند
زمین آهنین شد سپهر آبنوس
تو یار غمگساری تو حور دلربایی
با سربی‌مو چوپشت طاس و طشت

فارسی دهم

از سپهر این ره عالی صفت
بخندید و لب را به دندان گزید

۱- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) این همه شور من از شکر شیرین توست
- ۲) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- ۳) من آزاده از خاک آزادگانم
- ۴) حسرت نبرم به خواب آن مرداب

۲- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) فرود آمد از دژ به کردار شیر
- ۲) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
- ۳) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب
- ۴) از این مرز فرخنده مردخیز

۳- در کدام گزینه «اضافه تشبیهی» وجود ندارد؟

- ۱) ذره را تا نبود همّت عالی حافظ
- ۲) تا زبر خاکی ای درخت تنومند
- ۳) در چراغ دو چشم او زد تیغ
- ۴) چون بتابد آفتاب معرفت

۴- در کدام گزینه نوع «تشبیه» با بقیه تفاوت دارد؟

- ۱) نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل
- ۲) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
- ۳) در چراغ دو چشم او زد تیغ
- ۴) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب

۵- در کدام گزینه «تمام ارکان تشبیه» آمده است؟

- ۱) لب‌ت در لطافت لاله سیراب را ماند
- ۲) به‌گرز گران دست‌برد اشکبوس
- ۳) تو سرو جویباری تو لاله بهاری
- ۴) جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت

۶- در کدام گزینه «ادات تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) چون بتابد آفتاب معرفت
- ۲) چو سهراب شیر اوژن او را بدید

بپیچید زو روی و شد سوی کوه
چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی

۳) چو زهام گشت از گشانی ستوه
۴) ای چشم عقل خیره در اوصاف تو

۷- در مصراع اول کدام گزینه «مشبیه» درست مشخص نشده است؟

جهان چون شب و تیغ‌ها چون چران
به چه ماند به سرو بوستانی
روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت
با پختگان گوی این سخن سوزش نباشد خام را

۱) چو دریای خون شد همه دشت و راغ
۲) مرا در دل درخت مهربانی
۳) شربت‌نی از لب لعلش نجشیدیم و برفت
۴) باران اشکم می‌رود وز ابرم آتش می‌چهد

فارسی یازدهم

۸- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» با بقیه تفاوت دارد؟

۱) چون او را در بند بلا بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار جوی‌ها راند.
۲) زندگی به‌راستی تاریکی است مگر آن که شوقی باشد.
۳) هریک از ما در واقع صورتی از مرغ حقیقت هستیم.
۴) اوست که عادل مطلق است و خوان عدل خود را بر همگان گسترده.

فارسی یازدهم

۹- در کدام گزینه «تشبیه» از نظر ارکان با بقیه تفاوت دارد؟

۱) از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.
۲) سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود برای طفل.
۳) بی‌واسطه درو گنج معرفت تعبیه خواهیم کرد.
۴) موج‌های سنگین و افسارگسیخته ارس، سدوار بودند.

فارسی یازدهم

۱۰- در کدام بیت دو «تشبیه» وجود دارد؟

یک قطره فرو چکید و نامش دل شد
چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟
مینداز خود را چو روباه شل
به هم حمله کردند باز از دو سو

۱) سر نشتر عشق بر رگ روح زدند
۲) کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
۳) برو شیر درنده باش ای دغل
۴) چو نمود رخ، شاهدِ آرزو

۱۱- در کدام گزینه «تشبیه مرکب» وجود دارد؟

هم‌چو عرق بر عذار شاهد غضبان
تا همچو کبوتر از تو آرد نامه
که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر
آن خشت بود که پُر توان زد

۱) بر گل سرخ از نم اوفتاده لالی
۲) من رفتم و مرغ روح من پیش تو ماند
۳) حریر باورم از شعله ندامت سوخت
۴) لاف از سخن چو دُر توان زد

۱۲- در کدام گزینه «تشبیه مرکب» وجود دارد؟

اندکی ماند و خواجه غزه هنوز
یکی چاره سازید بیچاره‌وار

۱) عمر برف است و آفتاب تموز
۲) چو مانده شد از کار، رخس و سوار

۴۹- گزینۀ (۱)؛

در سایر گزینۀها «دشت» مجاز از: مردم داخل دشت و صحرا است. ● در گزینۀ (۱) «خود دشت و صحرا منظور است.

۵۰- گزینۀ (۲)؛

در گزینۀ (۱) «دینار: مجاز از پول ● گزینۀ (۳) دم: مجاز از سخن ● گزینۀ (۴) «سینه: مجاز از شنونده، قلب و دل. ● گزینۀ (۲) «خرابه: استعاره از دنیا.

۵۱- گزینۀ (۲)؛

در سایر گزینۀها محل ذکر شده و منظور حال است. دشت: مجاز از مردم داخل دشت، جهان: مجاز از مردم جهان، شهر: مجاز از مردم ایران ● گزینۀ (۲) «شهر: مجاز از کشور، شهر جزئی از کشور است، ذکر جزء شده ولی اراده کل است.

۵۲- گزینۀ (۲)؛

رخت کشیدن: کنایه از کوچ کردن ● زاغ، باغ، راغ، و فراغ: جناس دارند. ● گزینۀ (۱) «مصراع دوم: کنایه از نظم و ترتیب در جهان ● گزینۀ (۳) «نیلی پوش: کنایه از عزادار است.

۵۳- گزینۀ (۱)؛

در گزینۀ (۲) «دل اسیر دارد: کنایه از عاشق شدن ● گزینۀ (۳) «خونین سفر کرده‌اند: کنایه از شهید شدن ● گزینۀ (۴) «لب به دندان گزیدن: کنایه از تعجب کردن ● در گزینۀ (۱) «دو مصراع کنایه از تقلید کردن و قلم: مجاز از نوشته‌ها است.

۵۴- گزینۀ (۳)؛

در گزینۀ (۱) «پوست و استخوان شدن: کنایه از لاغر بودن ● گزینۀ (۲) «برای تو نان و آب نمی‌شود: کنایه از ارزش نداشتن ● گزینۀ (۴) «چشم مسلح: کنایه از عینک داشتن ● گزینۀ (۳) «خورشیدی‌ترین مرد قرن: کنایه از امام (ره) و بار عام رحمت الهی: اضافه تشبیهی است.

۵۵- گزینۀ (۱)؛

از آن جهان آمدن: کنایه از نجات یافتن از مرگ است.

۵۶- گزینۀ (۳)؛

نعره زدن بلبل: تشخیص، جامه دریدن گل: کنایه از شکوفا شدن. ● گزینۀ (۱) «زبان درکش: کنایه از سخن نگفتن ● گزینۀ (۲) «سر به گریبان بردن: کنایه از خجالت کشیدن و سر را پایین انداختن ● گزینۀ (۴) «مُهر بر لب: کنایه از سکوت.

۵۷- گزینۀ (۴)؛

در گزینۀ (۱) «بی‌خوشتنم کردی: کنایه از خود بی‌خود شدن ● گزینۀ (۲) «بیچید روی: کنایه از فرار و عقب‌نشینی ● گزینۀ (۳) «رهام را جام باده است، جفت: کنایه از اهل خوش‌گذرانی بودن.

۵۸- گزینۀ «۱»؛

در گزینۀ «۲» آفتاب نعمت شد زیر میغ: کنایه از نابودی اموال ● گزینۀ «۳» کمان را به زه کرد: کنایه از آماده کردن کمان ● گزینۀ «۴» سر به گرد آوردن: کنایه از کشتن و نابود کردن. ● گزینۀ «۱» بر (حرف اضافه)، بر (سینه) جناس، سپهر بر دست او بوسه داد: کنایه از تشکر و تحسین کردن.

۵۹- گزینۀ «۴»؛

در گزینۀ «۱» ترکی تاز: کنایه از حرکت سریع ● گزینۀ «۲» خوشه باید چید: کنایه از نیازمندی و گدایی کردن ● گزینۀ «۳» زبان در کشیدن: کنایه از ساکت شدن.

۶۰- گزینۀ «۲»؛

در گزینۀ «۱» استخوان بر پوست ماندن: کنایه از لاغر شدن ● گزینۀ «۳» جوفروش گندم‌نما: کنایه از ریاکار ● گزینۀ «۴» چشم مدار: کنایه از انتظار نداشته باش، نیک‌اختری: کنایه از خوشبختی.

۶۱- گزینۀ «۳»؛

در گزینۀ «۱» کشیدن دیوار میان دل و کام: کنایه از مانع ایجاد کردن ● گزینۀ «۲» بر پا سنگ آمدن: کنایه از دچار مشکل شدن ● گزینۀ «۴» ژانخایان: کنایه از بیهوده‌گویان.

۶۲- گزینۀ «۱»؛

در گزینۀ «۲» غرقه به خون: کنایه از شهادت ● گزینۀ «۳» بنشین به یکی کبود اورند: کنایه از به قدرت رسیدن و حکومت ● گزینۀ «۴» حلقه به گوش: کنایه از غلام و فرمانبر.

۶۳- گزینۀ «۳»؛

در گزینۀ «۱» بردش نماز: کنایه از احترام گذاشتن ● گزینۀ «۲» سنگ را بر سبزو زدن: کنایه از امتحان و آزمایش ● گزینۀ «۴» ژانخایان: کنایه از بیهوده‌گویان.

۶۴- گزینۀ «۳»؛

هر دو عبارت کنایه از بی‌عرضه بودن است.

فصل چهارم



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- در مصراع اول بیت «تو را آتش عشق اگر پر بسوخت • مرا بین که از پای تا سر بسوخت»، کدام یک از ارکان تشبیه محذوف است؟

ریاضی و هنر - ۶۹

- (۱) وجه شبه (۲) مشبّه‌به (۳) مشبّه (۴) ادات تشبیه

۲- در کدام بیت «طرفین تشبیه»، فقط یک کلمه نیست؟

انسانی - ۸۳

- (۱) خداوندا شبم را روز گردان
 (۲) شبی دارم سیاه از صبح نومید
 (۳) ندارم طاقت این کوره تنگ
 (۴) چو بر زد آتش مشرق زبانه
- چو روزم بر جهان پیروز گردان
 در این شب روسیدم کن چو خورشید
 خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ
 ملک چون آب شد ز آن جا روانه

۳- در کدام عبارت آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

زبان - ۸۲

- (۱) هوا همچون نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت.
 (۲) شیهه چند اسب بی‌شکیب، سکوت را در هم می‌شکست.
 (۳) سوسوی چند مشعل، پرده سیاه شب را می‌درید.
 (۴) او در یک شب ظلمانی چون اختری روشن و پرفروغ از تاریکی و سیاهی گریخت.

۴- در کدام گزینه هر چهار پایه «تشبیه» ذکر شده است؟

انسانی - ۷۹

- (۱) ایام گل چو عمر، به رفتن شتاب کرد
 (۲) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری
 (۳) چو دریای خون شد همه دشت و راغ
 (۴) که نیم کوهم ز صبر و حلم و داد
- ساقی به دور بادۀ گلگون شتاب کن
 تو یار غم‌گساری، تو حور دل‌ربایی
 جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
 کوه را چون در رباید تندباد؟

۵- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

- (۱) فراق یار که پیش تو کاه‌برگی نیست
 (۲) هر کسی را به تو این میل نباشد که مرا
 (۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل
 (۴) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر
- بیا و بر دل من بین که کوه الوندست
 کافتابی تو و کوتاه‌نظر مرغ شب است
 دل و دین می‌برد از دست بدان سان که مپرس
 ندانمت در این دامگه چه افتاده است

۶- در کدام یک از بیت‌های زیر نوع «اضافه تشبیهی» «مشبه + مشبّه‌به» است؟

- (۱) عمری از سنگ حوادث، سوده گشتم چون غبار
 (۲) بگشا غنچه لب را بنما بر همه کس
 (۳) زلف هندوی تو باید که پریشان نشود
 (۴) از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان
- تا به امداد نسیمی ره به کویی یافتم
 یک شکرخنده که با روح روان می‌ارزد
 زان که پیوسته بود هم‌ره و هم‌زانویت
 باشد کز آن میانه یکی کارگر شود

۱- گزینه «۴»؛

ادات تشبیه ذکر نشده است. ● عشق ← مشبّه ● آتش ← مشبّه‌به ● سوزاندن ← وجه‌شبه.

۲- گزینه «۳»؛

منظور از «طرفین تشبیه» مشبّه و مشبّه‌به است. ● در گزینه «۳» خلاصی و رهایی از کوره تنگ به جدا شدن لعل (گوهر) از سنگ تشبیه شده است، به این اعتبار که جواهرات را از دل سنگ‌ها در می‌آورند.

۳- گزینه «۲»؛

در گزینه «۱» تشبیه هوا به نگاه وحشتناک غارها ● گزینه «۳» پرده سیاه شب ← اضافه تشبیهی ● گزینه «۴» تشبیه او به اختری روشن و پرفروغ.

۴- گزینه «۱»؛

ایام گل ← مشبّه، عمر ← مشبّه‌به، چو ← ادات تشبیه، شتاب کردن ← وجه‌شبه.
گزینه «۲» فقط مشبّه و مشبّه‌به در تشبیه‌ها آمده است.
گزینه «۳» سه تشبیه وجود دارد: ❶ دشت و راغ مانند دریای خون شد، ❷ جهان مانند شب شد. ❸ تیغ‌ها مانند چراغ شدند. در همهٔ این سه تشبیه سه رکن «مشبّه، مشبّه‌به و ادات تشبیه» وجود دارد.
گزینه «۴» کوهم ← «من کوه هستم» از جهت صبر و حلم و داد که ادات تشبیه ندارد.

۵- گزینه «۴»؛

کنگرهٔ عرش ← اضافه استعاری، دامگه ← استعاره از دنیا ● گزینه «۱» تشبیه فراق یار به کوه الوند از جهت سنگینی ● گزینه «۲» تشبیه معشوق به آفتاب و تشبیه انسان کوتاه‌نظر به مرغ شب (خفاش). چون خفاش توان دیدن آفتاب را ندارد. ● گزینه «۳» تشبیه شراب به لعل از جهت سرخی.

۶- گزینه «۳»؛

در این گزینه «زلف» از جهت سیاهی به هندو (هندی سیاه‌پوست) تشبیه شده. زلف ← مشبّه، هندو ← مشبّه‌به ● در گزینه «۱» سنگ حوادث، گزینه «۲» غنچه لب و در گزینه «۴» تیر دعا، اضافه تشبیهی هستند ولی از نوع «مشبّه‌به + مشبّه».

۷- گزینه «۴»؛

در این گزینه همگی از نوع «مشبّه‌به + مشبّه» هستند. نبات (گیاهان)، بنات (دختران)، مهد (گهواره)، مکاشفت (کشف) ● گزینه «۱»: گوشه کلاه و روی تعظیم ← اضافه تشبیهی نیستند. گزینه «۲» تشبیهی ندارد. ● گزینه «۳» فقط دروگر زمان اضافه تشبیهی است.